

سرمقاله

وظیفه علما و مظلومیت مردم افغانستان

محمد رضا هویدا

تقریبا همه جمعیت افغانستان مسلمان هستند. دین در این کشور حرف اول را می زند. ریشه شکست شوروی سابق را نیز می توان در حرکت های دینی دید. هیچ دغدغه ای برای مردم افغانستان از دغدغه های دینی مهم تر نیست. آنچه در امروز افغانستان می گذرد نیز ارتباط مستقیمی به آموزه های دینی دارد. برداشت هایی که از آموزه های دینی می شود، قرآنت های دینی از دین مقدس اسلام دستاویز بسیاری از عملکردها و اقدامات و کنش و واکنش ها در این جامعه است. هر چند مجاهدین را نمی توان دارای یک برداشت و قرآنت خاص از اسلام یافت. اما با ظهور طالبان، اوج قرآنت های متحجرانه و بدوی از دین مقدس اسلام در افغانستان رونما شد.

مذاحمت های خیابانی برای مردان به خاطر ریش و برای زنان به خاطر با محارم نبودن و صدها مورد دیگر نمایی از باورها و قرآنت های متحجرانه طالبان از دین مقدس اسلام را به نمایش می کشد.

افغانستان مهد عالمان و بزرگان و دانشمندان مسلمان بوده است. افتخاراتی که امروزه مایه مباهات این کشور در سطح دنیا است. از روسای مذاهب مهم جهان اسلام گرفته تا مولوی و سید جمال الدین و ابن سینا و بیرونی و... که همه ریشه در این مرز و بوم دارند و از جامعه آن روز این مرز و بوم برخاسته اند و چراغ معرفت و دین و دانش به دست گرفته اند و خواسته اند جهان را روشن کنند.

اما برداشت متحجرانه ای که امروزه تحت عناوین مختلف از اسلام ارایه می شود و سعی می شود آن را با مردم افغانستان پیوند دهند، سابقه دیرینه ای در این دیار ندارد. به باور مورخان و دانشمندان، مردم افغانستان دارای گرایش های اسلامی هارافانه و صوفیانه بوده اند. خشونت که تحت نام دین مبین اسلام در این مرز و بوم ترویج می شود، نه در سابقه این کشور جای دارد و نه در تاریخ کهن این سرزمین قابل مشاهده است. این خشونت به گرایش های و قرآنت هایی از بیرون مرزهای کشور بر می گردد و خصوصا با آغاز دوره جهاد در افغانستان و مهاجرت افغان ها به کشورهای دور و نزدیک و وارد شدن در مدارس دینی کشورهای همسایه این روند شدت بیشتری یافته است.

اکنون در افغانستان، چندین شورا تحت نام شورای علما فعالیت می کنند که در آن علمای جید کشور جمع هستند. علاوه بر اینکه شورای علما در هر ولایت نیز فعالیت دارند. این شوراهای و همین گونه عالمان بزرگ و جید کشور که در گوشه و کنار این دیار می زندگی، کار رسیدگی به امور مذهبی و دینی مردم برعهده دارند.

شوراهای علما در مواردی فعالیت جدی از خود نشان داده اند. ولی در مسایل حساس کشور، اکثرا خاموش بوده اند.

در حالی که این روزها مردم افغانستان در خاک و خون می غلطند، انتظار از شورای علما و در کل علمای کشور این است که با تبلیغات و آگاهی دادن به مردم و تمام مسلمانان، اجماع علما و مسلمانان را در مورد حرمت این حملات و قتل عام مردم بی گناه افغانستان کسب کنند. علما وظیفه دارند تا حقیقت این جنگ و این مظلومیت را برای جهانبان برعلا سازند.

جنگی که بر مردم بیگناه و مظلوم تحمیل شده است و دشمنان از هر حربه ای برای به خاک و خون کشاندن آنها استفاده می کنند، در هیچ دین و مذهبی قابل توجیه نیست.

همان گونه که سیاستمداران و دولتمردان برای حفاظت از خاک و ناموس این کشور وظیفه دارند، همان گونه که سربازان دلیر افغان باید از جانانشان برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال این مرز و بوم بگذرند، همان گونه که هر شهروند کشور باید برای حفظ اتحاد و مهدلی مردم افغانستان تلاش کنند، علما نیز باید به وظیفه دینی و مذهبی شان عمل کرده و صدای مظلومیت افغانستان را به گوش جهانبان برسانند و از تفرقه و تشتت که خواست دشمنان مردم افغانستان است جلوگیری نمایند.

شلیک ملای جدید

عبدالرحمن فهیمی

پس از مرگ رهبر، در هر سازمان و نهادی چالش ها و نگرانی های ایجاد می شود. اختلاف نظرهای جدی بر سر تصاحب کرسی ریاست و رهبری و نیز تداوم رویکرد قدیم یا اتخاذ رویکرد جدید پدیدار می گردد.

ملا محمد عمر رهبر گروه طالبان سال ها سربازان خشن را مدیریت و رهبری کرد. او در زمان جنگ حلقه های جهادی و طالبان، فرمان قتل عام باشندگان برخی مناطق کشور را صادر کرد و نیز در برخی روزها تجاوز به حیثیت، هزت و شرف زنان را جواز داد.

پس از فروپاشی امارت، علاوه بر قتل و کشتار نیروهای نظامی و غیر نظامی خارجی، فرمان کشتار نظامیان و غیر نظامیان شهروندان کشور را نیز صادر کرد.

شهروندان ملکی و بی گناه که کشتن آن ها را در هیچ منطق دینی و سیاسی نمی شود توجیه کرده و مشروعیت داد، نیروهای ملاحمر می کشتند. در مسیر شاهراه ها عابرین را از وسایط نقلیه پایین کرده می کشتند و با جاگذاری ماین ها و مواد منفجره هزاران انسان بی گناه را به خاک و خون می کشاندند. به هر حال ملا رفت با بهتر خواهد بود بگویم که رفته بود. از پس که قدرت استخباراتی و اطلاعاتی ما و حکومت مان قوی است. پس از دوسال مطلق شدیم و با اظهار نگرانی از جانب کشور دوست پیامک زده شد که بی ملا شده ایم.

از گروه که سخن زده و در موردش بحث می کنیم همه نیروهای سیاسی و نظامی اش متشکل از ملاحمر است. از این رهگذر ملای دیگری جانشین ملای قبلی گردید. نام اش ملا اختر منصور است.

اما در برابرش ملاحمر دیگری عرض اندام کرده و ریاست و رهبری اش را به چالش کشیده اند.

برخی از اعضای شورای تصمیم گیری پس از نشر خبر مرگ ملاحمر و تلاش

نمی شود توجیه کرده و مشروعیت داد، شاهراه ها عابرین را از وسایط نقلیه پایین کرده می کشتند و با جاگذاری ماین ها و مواد منفجره هزاران انسان بی گناه را به خاک و خون می کشاندند. به هر حال ملا رفت با بهتر خواهد بود بگویم که رفته بود. از پس که قدرت استخباراتی و اطلاعاتی ما و حکومت مان قوی است. پس از دوسال مطلق شدیم و با اظهار نگرانی از جانب کشور دوست پیامک زده شد که بی ملا شده ایم.

از گروه که سخن زده و در موردش بحث می کنیم همه نیروهای سیاسی و نظامی اش متشکل از ملاحمر است. از این رهگذر ملای دیگری جانشین ملای قبلی گردید. نام اش ملا اختر منصور است.

اما در برابرش ملاحمر دیگری عرض اندام کرده و ریاست و رهبری اش را به چالش کشیده اند.

برخی از اعضای شورای تصمیم گیری پس از نشر خبر مرگ ملاحمر و تلاش

نمی شود توجیه کرده و مشروعیت داد، شاهراه ها عابرین را از وسایط نقلیه پایین کرده می کشتند و با جاگذاری ماین ها و مواد منفجره هزاران انسان بی گناه را به خاک و خون می کشاندند. به هر حال ملا رفت با بهتر خواهد بود بگویم که رفته بود. از پس که قدرت استخباراتی و اطلاعاتی ما و حکومت مان قوی است. پس از دوسال مطلق شدیم و با اظهار نگرانی از جانب کشور دوست پیامک زده شد که بی ملا شده ایم.

از گروه که سخن زده و در موردش بحث می کنیم همه نیروهای سیاسی و نظامی اش متشکل از ملاحمر است. از این رهگذر ملای دیگری جانشین ملای قبلی گردید. نام اش ملا اختر منصور است.

اما در برابرش ملاحمر دیگری عرض اندام کرده و ریاست و رهبری اش را به چالش کشیده اند.

برخی از اعضای شورای تصمیم گیری پس از نشر خبر مرگ ملاحمر و تلاش

نمی شود توجیه کرده و مشروعیت داد، شاهراه ها عابرین را از وسایط نقلیه پایین کرده می کشتند و با جاگذاری ماین ها و مواد منفجره هزاران انسان بی گناه را به خاک و خون می کشاندند. به هر حال ملا رفت با بهتر خواهد بود بگویم که رفته بود. از پس که قدرت استخباراتی و اطلاعاتی ما و حکومت مان قوی است. پس از دوسال مطلق شدیم و با اظهار نگرانی از جانب کشور دوست پیامک زده شد که بی ملا شده ایم.

از گروه که سخن زده و در موردش بحث می کنیم همه نیروهای سیاسی و نظامی اش متشکل از ملاحمر است. از این رهگذر ملای دیگری جانشین ملای قبلی گردید. نام اش ملا اختر منصور است.

اما در برابرش ملاحمر دیگری عرض اندام کرده و ریاست و رهبری اش را به چالش کشیده اند.

برخی از اعضای شورای تصمیم گیری پس از نشر خبر مرگ ملاحمر و تلاش

نمی شود توجیه کرده و مشروعیت داد، شاهراه ها عابرین را از وسایط نقلیه پایین کرده می کشتند و با جاگذاری ماین ها و مواد منفجره هزاران انسان بی گناه را به خاک و خون می کشاندند. به هر حال ملا رفت با بهتر خواهد بود بگویم که رفته بود. از پس که قدرت استخباراتی و اطلاعاتی ما و حکومت مان قوی است. پس از دوسال مطلق شدیم و با اظهار نگرانی از جانب کشور دوست پیامک زده شد که بی ملا شده ایم.

از گروه که سخن زده و در موردش بحث می کنیم همه نیروهای سیاسی و نظامی اش متشکل از ملاحمر است. از این رهگذر ملای دیگری جانشین ملای قبلی گردید. نام اش ملا اختر منصور است.

اما در برابرش ملاحمر دیگری عرض اندام کرده و ریاست و رهبری اش را به چالش کشیده اند.

برخی از اعضای شورای تصمیم گیری پس از نشر خبر مرگ ملاحمر و تلاش

نمی شود توجیه کرده و مشروعیت داد، شاهراه ها عابرین را از وسایط نقلیه پایین کرده می کشتند و با جاگذاری ماین ها و مواد منفجره هزاران انسان بی گناه را به خاک و خون می کشاندند. به هر حال ملا رفت با بهتر خواهد بود بگویم که رفته بود. از پس که قدرت استخباراتی و اطلاعاتی ما و حکومت مان قوی است. پس از دوسال مطلق شدیم و با اظهار نگرانی از جانب کشور دوست پیامک زده شد که بی ملا شده ایم.

از گروه که سخن زده و در موردش بحث می کنیم همه نیروهای سیاسی و نظامی اش متشکل از ملاحمر است. از این رهگذر ملای دیگری جانشین ملای قبلی گردید. نام اش ملا اختر منصور است.



دوم، پنهان کردن مرگ ملاحمر و نشر آن درست در زمان گرفتن گفت و گوهای سیاسی با گروه طالبان، نشان می دهد که پاکستان نیات سیاسی دیگری در سر دارد.

از این رهگذر این کشور به دنبال کمک به روند مذاکره و صلح نیست بلکه با نشر خبر مرگ ملای قدیم، هملا خواست در صفوف طالبان شکاف های را ایجاد کرده و مذاکره را به چالش بکشد.

ملا منصور اگر تمایل به گفت و گو و سیاسی داشت، اکنون نمی تواند داشته باشد. زیرا جهت بدست آوردن قلوب ناراضیان از این رهگذر، جنگ می اندیشند، به نبرد و ستیز ادامه خواهد داد.

در این صورت، نخستین شلیک های اش را شروع کرده است. او می خواهد با ریختن خون مردم بی گناه و سرخ رنگ کردن زمین کابل و شاید شهرهای دیگر کشور، قلوب و دل های ناراضی ملاحمر را از سر نو کسب کند و مهر تاییدی آنان را کماپی کند.

خون ریزی می کوید، دوم، حمله های شدید و مرگ بار انتحاری که در کابل اتفاق افتاد، حکایت گر این است که او با چهره و رویکرد دیگری وارد مرصه می شود.

به نظر می آید که ملای جدید به دنبال تثبیت موقعیت سیاسی در میان گروه طالبان است. برخی ها دوست نداشته و نمی خواهند او را در قامت رهبر و امیر المؤمنین ببینند. از این رو، او در صدد به دست آوردن قلوب و دل های ناراضی ناراضیان است.

یعنی می خواهد به ناراضیان تثبیت کند که راه ملای قدیم و از دست رفته اناص می یابد. در این صورت، نخستین شلیک های اش را شروع کرده است. او می خواهد با ریختن خون مردم بی گناه و سرخ رنگ کردن زمین کابل و شاید شهرهای دیگر کشور، قلوب و دل های ناراضی ملاحمر را از سر نو کسب کند و مهر تاییدی آنان را کماپی کند.

خون ریزی می کوید، دوم، حمله های شدید و مرگ بار انتحاری که در کابل اتفاق افتاد، حکایت گر این است که او با چهره و رویکرد دیگری وارد مرصه می شود.

به نظر می آید که ملای جدید به دنبال تثبیت موقعیت سیاسی در میان گروه طالبان است. برخی ها دوست نداشته و نمی خواهند او را در قامت رهبر و امیر المؤمنین ببینند. از این رو، او در صدد به دست آوردن قلوب و دل های ناراضی ناراضیان است.

یعنی می خواهد به ناراضیان تثبیت کند که راه ملای قدیم و از دست رفته اناص می یابد. در این صورت، نخستین شلیک های اش را شروع کرده است. او می خواهد با ریختن خون مردم بی گناه و سرخ رنگ کردن زمین کابل و شاید شهرهای دیگر کشور، قلوب و دل های ناراضی ملاحمر را از سر نو کسب کند و مهر تاییدی آنان را کماپی کند.

خون ریزی می کوید، دوم، حمله های شدید و مرگ بار انتحاری که در کابل اتفاق افتاد، حکایت گر این است که او با چهره و رویکرد دیگری وارد مرصه می شود.

به نظر می آید که ملای جدید به دنبال تثبیت موقعیت سیاسی در میان گروه طالبان است. برخی ها دوست نداشته و نمی خواهند او را در قامت رهبر و امیر المؤمنین ببینند. از این رو، او در صدد به دست آوردن قلوب و دل های ناراضی ناراضیان است.

یعنی می خواهد به ناراضیان تثبیت کند که راه ملای قدیم و از دست رفته اناص می یابد. در این صورت، نخستین شلیک های اش را شروع کرده است. او می خواهد با ریختن خون مردم بی گناه و سرخ رنگ کردن زمین کابل و شاید شهرهای دیگر کشور، قلوب و دل های ناراضی ملاحمر را از سر نو کسب کند و مهر تاییدی آنان را کماپی کند.

خون ریزی می کوید، دوم، حمله های شدید و مرگ بار انتحاری که در کابل اتفاق افتاد، حکایت گر این است که او با چهره و رویکرد دیگری وارد مرصه می شود.

به نظر می آید که ملای جدید به دنبال تثبیت موقعیت سیاسی در میان گروه طالبان است. برخی ها دوست نداشته و نمی خواهند او را در قامت رهبر و امیر المؤمنین ببینند. از این رو، او در صدد به دست آوردن قلوب و دل های ناراضی ناراضیان است.

یعنی می خواهد به ناراضیان تثبیت کند که راه ملای قدیم و از دست رفته اناص می یابد. در این صورت، نخستین شلیک های اش را شروع کرده است. او می خواهد با ریختن خون مردم بی گناه و سرخ رنگ کردن زمین کابل و شاید شهرهای دیگر کشور، قلوب و دل های ناراضی ملاحمر را از سر نو کسب کند و مهر تاییدی آنان را کماپی کند.

خون ریزی می کوید، دوم، حمله های شدید و مرگ بار انتحاری که در کابل اتفاق افتاد، حکایت گر این است که او با چهره و رویکرد دیگری وارد مرصه می شود.

به نظر می آید که ملای جدید به دنبال تثبیت موقعیت سیاسی در میان گروه طالبان است. برخی ها دوست نداشته و نمی خواهند او را در قامت رهبر و امیر المؤمنین ببینند. از این رو، او در صدد به دست آوردن قلوب و دل های ناراضی ناراضیان است.

یعنی می خواهد به ناراضیان تثبیت کند که راه ملای قدیم و از دست رفته اناص می یابد. در این صورت، نخستین شلیک های اش را شروع کرده است. او می خواهد با ریختن خون مردم بی گناه و سرخ رنگ کردن زمین کابل و شاید شهرهای دیگر کشور، قلوب و دل های ناراضی ملاحمر را از سر نو کسب کند و مهر تاییدی آنان را کماپی کند.

ده اصل عملکرد نظریه توطئه

نویسنده: بنت براول / مترجم: شهیار نحی / قسمت دوم و پایانی

یک اصل قدیمی است: چندسال پس از انقلاب فرانسه، راهب باروتل مثلث بودن شکل تیغه گیوتین را به فراماسون ها نسبت می داد. همین امر در مورد ستاره یهود نیز صادق است. آقای لویی فراخان، رهبر سازمان مذهبی امریکایی «ملت اسلام» چنین توضیح می داد که اگر ۱۳ ستاره موجود روی پرچم امریکا به یکدیگر متصل شود، شکل ستاره داوود پدیدار می شود. این بازی که جستجوی امضای قاتل در محل جنایت را نیز شامل می شود، به علم شناسایی اعداد یا رمل و اسطرلاب شباهت دارد. بنا بر هفده یک مقاله منتشر شده در ویکی استرایک، حملات علیه مرکز تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر یعنی ۹.۱۱. ۹۱۱ (۶) رخ داده که در ایالات متحده شماره تلفن پلیس است، سوء قصد های شارلی ابدو در تاریخ ۷ جنوری، ۱.۷. ۱۷ بوده که شماره تلفن پلیس فرانسه است. بازم یکی دیگر از «جزئیات مبهم و تیره»... هفت - تکیه بر تاریخ («سوابق تاریخی را زیاد نبریم»)

غالبا از تاریخ به عنوان پشتیبان نظریه های توطئه استفاده می شود و برای مقایسه رویدادهایی که ربطی به هم ندارند به کار می رود. انجام عملیات با لباس مبدل، که در تاریخ پر شمار است (مطلب روبرو را بخوانید)، به طور عمدی برجسته می شود تا مقصود بودن سرویس های مخفی فرانسوی، امریکایی و اسرائیلی را در اقدامات تروریستی کنونی نشان دهد. میسار در مورد حملات علیه شارلی ابدو هشدار می دهد که «سوابق تاریخی را فراموش نکنیم» و تاکید می کند «در طول سال های اخیر دیده ایم که سرویس های مخفی امریکایی یا ناتو در فرانسه اثرات ویرانگر برخی از داروها بسروزی افراد غیرنظامی را آزمایش کرده اند، حمایت OAS برای سعی در کشتن جنرال دوگل را دیده ایم و انجام سوء قصد هایی با هویت قلابی علیه غیرنظامیان در بسیاری از کشورهای عضو ناتو را شاهد بوده ایم.»

مسئله آزمایش های دارو به رویدادهای تابستان ۱۹۵۱ مربوط می شود. در آن زمان دهها تن از ساکنان «پون - سن اسپیری» ، دهکده کوچکی در ناحیه گارد به دل درد، تهوع، ناراحتی و حتی توهم و هذیان مبتلا شدند. نیم قرن بعد، معما همچنان مبهم باقی ماند، اگر چه از یک مسمومیت غذایی

جمعی ناشی از مصرف غلات سخن گفته می شد. در سال ۲۰۰۹، یک روزنامه نگار امریکایی که درباره خودکشی یکی از ماموران سسی آی ای (سیا) در سال ۱۹۵۲ تحقیق می کرد، تاکید کرد که به حل معما دست یافته است. با تکیه بر شهادت دو تن از ماموران مخفی و سند مبهمی از «سیا» که به رخداد «پون - سن اسپیری» اشاره داشت، او موضوع را به یک عملیات «سیا» نسبت داد.

در این عملیات مقدار زیادی از ماده مخدر «ال اس دی» برای آزمایش اثرات آن به عنوان یک سلاح تهاجمی به کار رفته بود. با آن که بیشتر کارشناسان همچنان بر نظریه مسمومیت غذایی تاکید می کنند، به خاطر این که لایه دومی از نظریه توطئه به لایه اول افزوده می شود، امکان رد قطعی این فرضیه وجود ندارد.

هشت - هرگز دشمن را دست کم نگیرید. همه پیروان نظریه های توطئه به شکست ناپذیری دشمن باور دارند. به نظر آنها، غیرممکن است که یک مشت افراد غارنشین در افغانستان توانسته باشند به تنهایی مرکز تجارت جهانی را تخریب کنند.

سرویس های مخفی امریکایی، که فوق العاده کارآمد هستند، می توانستند جلوی آنها را بگیرند. دیوید ری گریفین، در «پسر هازبور جدید» (نشر دهی لون، ۲۰۰۶) می نویسد: «در پر تو روندهای معمول مربوط به هواپیماهای ریزه شده، حتی یکی از هواپیماها نمی بایست سه هدف برخورد کند چه رسد به هرسه آنها». همین استدلال را سوزال در تارنمای خود در مورد برادران کوآشی مطرح می کند: «راده ای اصیل برای از هم پاشیدن شبکه های اسلام گرا می بایست نیروهای ویژه ما - که وسایل بسیاری در اختیار دارند - را واداشته باشد آنها را زنده بگیرند تا به حرف زدن وادارشان کنند...»

با این حال پیش می آید که پلیس یا ارتش موفق نمی شوند. عملیات «پنجه عقاب» با آن که به خوبی در آپریل سال ۱۹۸۰ تدارک دیده شده بود، برای نجات گروگان های نگهداری شده در سفارت امریکا در تهران به خاطر یک توفان شن و نقص تجهیزات و کمبود هلیکوپتر با شکستی اسفناک روبرو شد. چندماه بعد، جان بینکلی جونیور به تنهایی توانست در حلقه حفاظتی رونالد

شش - نفی تضاد و اتفاق («این امر برجسب تضاد نیست که...») برای انباشتن تصدها هر چه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تضاد و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنا بر این، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفسیر می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ ژانویه، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «ششانه مبهم و تیره» به حساب می آید.

پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکنااس یا بسته سیگار دیده شود، آنها گاه در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این

شش - نفی تضاد و اتفاق («این امر برجسب تضاد نیست که...») برای انباشتن تصدها هر چه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تضاد و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنا بر این، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفسیر می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ ژانویه، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «ششانه مبهم و تیره» به حساب می آید.

پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکنااس یا بسته سیگار دیده شود، آنها گاه در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این

شش - نفی تضاد و اتفاق («این امر برجسب تضاد نیست که...») برای انباشتن تصدها هر چه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تضاد و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنا بر این، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفسیر می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ ژانویه، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «ششانه مبهم و تیره» به حساب می آید.

پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکنااس یا بسته سیگار دیده شود، آنها گاه در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این

شش - نفی تضاد و اتفاق («این امر برجسب تضاد نیست که...») برای انباشتن تصدها هر چه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تضاد و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنا بر این، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفسیر می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ ژانویه، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «ششانه مبهم و تیره» به حساب می آید.

پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکنااس یا بسته سیگار دیده شود، آنها گاه در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این

شش - نفی تضاد و اتفاق («این امر برجسب تضاد نیست که...») برای انباشتن تصدها هر چه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تضاد و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنا بر این، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفسیر می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ ژانویه، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «ششانه مبهم و تیره» به حساب می آید.

پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکنااس یا بسته سیگار دیده شود، آنها گاه در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این

شش - نفی تضاد و اتفاق («این امر برجسب تضاد نیست که...») برای انباشتن تصدها هر چه بیشتر از جزئیات مبهم و تیره، باید چنین در نظر گرفت که تضاد و اتفاق وجود ندارد و هر واقعه ای دارای معنایی خاص است. بنا بر این، هم زمانی دو رویداد همواره با رابطه علت و معلولی تفسیر می شود. این چنین است که خودکشی فرد دوم پلیس لیموز در ۸ ژانویه، که تازه مامور انجام یک ماموریت در چهارچوب سوء قصد شارلی ابدو شده بود، به صورت یک «ششانه مبهم و تیره» به حساب می آید.

پیروان نظریه توطئه متخصصان بی همتایی در علم نشانه شناسی نیز هستند. اگر مثلی روی یک اسکنااس یا بسته سیگار دیده شود، آنها گاه در آن رد و اثر فراماسون ها را می بینند. این

با دستیاری به همان «مدارک» ادامه می دهند.

برای آن که هیچ چیز بر اثر یک استدلال متقابل سست نشود، کافی است که منبع آن بی اعتبار نمایانده شود. «مدبری ملی هوا و فضا» (ناسا) مدعی است که در پرچم یک چهارچوب داشته؟ دروغ می گوید، زیرا دستش در دست «سیا» است. شهادتهای تأیید کرده اند دیده اند که یک هواپیما به پنتاگون برخورد کرده؟ طبیعی است، آنها در خدمت دولت امریکا هستند.

همچنین می توان اعتبار همه مدارک متقابل را نادیده گرفت.

پس از ۱۱ سپتامبر، شماری از بدگمانان بر این تاکید کرده اند که دولت امریکا تراهای صدای ضبط شده هواپیما که در پنسیلوانیا سقوط کرد در مخفی کرده است.

دولت بوش سرانجام اجازه داد که خانواده قربانیان این نوار را گوش کنند. با این حال، به نظر چارلز پیدگن، هیچ پیرو نظریه توطئه ای از این بابت پوزش خواهی نکرد (۷). به هر صورت، مدارک گردآمده چنان پرشمار است که عدم اعتبار یکی از آنها نمی تواند خللی در کل مجموعه ایجاد کند.

۱- Louis Lorphelin, « Charlie Hebdo : poisons-nous les vraies questions », Médias-Presse- ۱۰ janvier ۲۰۱۵.

۲ semi- Terrorisme professionnel ou leurre ? », ۸ janvier ۲۰۱۵, Quenelplus.com

۳- « Je ne suis pas Charlie », manifestation monstre en Tchétchénie ۱۹ janvier ۲۰۱۵, Médias-Presse-Info

۴- « Pour le général Ivachov », "L'attentat à Charlie Hebdo est l'oeuvre de mercenaires", ۲۰ janvier ۲۰۱۵, Quenelplus.com

۵- « Les anomalies de l'affaire Mohamed juillet ۲۵ », Oumma.com

۶- En anglais, l'écriture des dates en chiffres impose de mettre le Charles - ۷ mois avant le jour Pïgden : la fausseté en soi des théories de la conspiration », ۲۰۱۲, Marseille, ۴۷ Agone, no

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانسان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکا توریست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: مهدی صالحی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷



Logo for 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook Afghanistan'. The logo features a globe and the text 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Press'. Below the logo, it says 'The Leading Independent Press'.